

نسبت کتاب‌های درسی جام

کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تا چه اندازه کاربردی هستند؟ از چنین منظری حتی می‌توان سؤال‌های عمیق‌تری نیز مطرح کرد؛ مانند اینکه:

کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تا چه میزان باور به علم و دانش را در ذهن و ضمیر دانش‌آموزان اشاعه می‌دهند و تقویت می‌کنند؟

کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تا چه میزان علاقه و اشتیاق به علم جامعه‌شناسی را ترویج و تقویت می‌کنند؟

کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی چه میزان به عنوان خود، یعنی کلمه جامعه‌شناسی متعهد هستند؟

کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تا چه اندازه به موضوع جامعه‌شناسی متعهد هستند؟

کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تا چه اندازه به اصول و قواعد جامعه‌شناسی متعهدند؟

کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تا چه اندازه به روش‌های جامعه‌شناسی متعهد و پایبند هستند؟

بالاخره آیا کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی انتظاری را که از کتاب آموزشی و درسی می‌رود، برآورده می‌کنند؟

در پاسخ به چنین پرسش‌هایی باید گفت کتاب‌های درسی موجود با تصور و تلقی که هر دانش‌آموخته جامعه‌شناسی از

این علم دارد و نیز از آنچه که به نام جامعه‌شناسی در محافل آموزشی و دانشگاهی جهان جریان دارد، فاصله بسیار دارد.

به‌علاوه این کتاب‌ها با انتظارات اغلب معلمان و دانش‌آموزان هم از جامعه‌شناسی متفاوت است. چرا که رویکرد کتاب به

جامعه‌شناسی، واقعیت‌ها و پدیده‌های اجتماعی، و به طریق اولی، زندگی اجتماعی و مسئله‌های آن، واقع‌گرایانه و عینی نیست.

کتاب‌ها با دیدگاهی تفسیری، فلسفی، دینی و الهیاتی نگاشته شده‌اند. چنین رویکرد تجریدی و ذهنی، با واقعیت اجتماعی

پشتیبانی نمی‌شود و با زندگی اجتماعی بیگانه است. به همین

جامعه‌شناسی علم مطالعه و بررسی واقعیات و پدیده‌های اجتماعی است. با چنین تعریفی، زندگی اجتماعی، قواعد، الگوها و مهارت‌های زندگی، اخلاق اجتماعی، روابط و ارتباطات اجتماعی، و مسائل، مشکلات، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در کانون توجه جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد. کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی در دوره آموزش‌های عمومی قاعدتاً باید چنین موضوع‌ها، مضمون‌ها و محورهایی را سرمشق خود قرار دهند. بهره‌گیری از این رویکرد در تألیف و تدوین کتاب‌های درسی، ضمن تعهد به تعریف، اصول و روش‌های اصلی جامعه‌شناسی، با عینیت‌بخشی به دانش جامعه‌شناسی و کاربردها و فایده‌های آن، به دانش‌آموزانی که هنوز تفکر انتزاعی و تجریدی لازم را پیدا نکرده‌اند، و نیز به پیوند درس و زندگی واقعی و عینی اجتماعی کمک می‌کند.

با چنین مقدمه و درک و دریافتی اکنون این پرسش‌ها خودنمایی می‌کنند:

آیا کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی با چنین رویکردی تدوین و تألیف شده‌اند؟

آیا زندگی اجتماعی و قواعد، مسائل و مشکلات آن محور اصلی کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی است؟

و به تعبیر دیگر، آیا کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی با زندگی واقعی پیوند برقرار می‌کنند؟

اصولاً کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تا چه میزان به پدیده‌ها و واقعیات اجتماعی به‌عنوان موضوع اصلی جامعه‌شناسی

می‌پردازند؟

کتاب‌های جامعه‌شناسی تا چه اندازه با رویکرد عینی، واقعی و ملموس برای دانش‌آموزان نگاشته شده‌اند؟

کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تا چه میزان با واقعیات دنیای پیرامون و زندگی دانش‌آموزان هماهنگ است؟

کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تا چه میزان به مسائل و مشکلات زندگی و جامعه ایران پرداخته‌اند؟

عه‌شناسی با علم و زندگی

فریبرز بیات

جامعه‌شناسان مسلمان نیز محل بحث و مناقشات بسیار است. در حالی که کتاب درسی جای حکماتی متفن و مستدل است که مورد اجماع و وفاق محافل علمی باشد، و نه دیدگاه‌های شاذ، محدود، شخصی و گروهی.

اما کتاب‌های درسی تنها خود را به نقد و نفی جامعه‌شناسی موجود محدود نمی‌کنند و با ساختن دوگانه‌هایی، باور به علم و کارگشایی و راهگشایی آن را مورد سؤال قرار می‌دهند. این موضوع مخالف وظیفه اصلی آموزش و پرورش است که باید بذری دانش و علم را در ذهن و ضمیر دانش‌آموزان بکارد و باور به علم و مدیریت علمی مسئله‌ها و مشکلات جامعه را در دانش‌آموزان تقویت کند. ترویج و توسعه چنین نگرش‌هایی، گذشته از آنکه باور به علم و دانش را در دانش‌آموزان کمرنگ می‌کند و عشق و علاقه دانش‌آموزان را برای تلاش و تفکر علمی و علم‌اندوزی با تردید مواجه می‌سازد، با زیرسؤال بردن علوم اجتماعی موجود و به‌طور مشخص جامعه‌شناسی، جایگاه علوم اجتماعی را در مدرسه و جامعه تضعیف می‌کند.

اینکه علوم اجتماعی و انسانی در نظام مدرسه‌ای به‌عنوان علوم درجه دوم تلقی می‌شوند، مدیران مدرسه‌ها و دبیرستان‌ها، در جذب دبیران، به معلمان علوم پایه و تجربی اولویت می‌دهند و تدریس درس‌های انسانی و اجتماعی را برای پرکردن ساعات موظف به چنین معلمان می‌سپارند، یا درس‌های اجتماعی و انسانی در برنامه آموزشی مدرسه‌ها و دبیرستان‌ها از جایگاه لازم برخوردار نیستند و دبیران دانش‌آموخته علوم اجتماعی درجه دوم تلقی می‌شوند، بی‌ارتباط با اشاعه تفکرانی که علوم اجتماعی موجود را نفی و آن‌ها را با ارزش‌های فرهنگی مغایر معرفی می‌کنند، نیست. کاهش اشتیاق و علاقه دانش‌آموزان به رشته علوم اجتماعی و نیز جذب دانش‌آموزان ضعیف‌تر به این رشته‌ها، از جمله دیگر پیامدهای تفکرانی است که به نفی و طرد علوم اجتماعی موجود می‌پردازند.

دلیل نیز کمتر از سوی معلمان و دانش‌آموزان پذیرفته شده و مورد استقبال قرار گرفته است. حتی می‌توان گفت نگرش اغلب دانش‌آموزان در تقابل و تعارض با اندیشه‌هایی است که این کتاب‌ها تبلیغ و ترویج می‌کنند.

علاوه بر این از آنجا که دانش‌آموزان در سن و سالی قرار دارند که هنوز تفکر انتزاعی در آن‌ها به‌طور کامل شکل نگرفته و نیز ذخیره دانشی و بینشی لازم را ندارند، بسیاری از مفهومی‌ها و مقوله‌های تجریدی، تفسیری و ذهنی برای آن‌ها قابل درک و دریافت نیست. این موضوع به اضافه آنکه کتاب‌ها کمتر به مسئله‌ها، مشکلات و واقعیت‌های زندگی اجتماعی می‌پردازند، کاربردی بودن آن‌ها را زیر سؤال می‌برد.

از کتابی که برای آموزش جامعه‌شناسی در دوره عمومی تألیف و تدوین شده است انتظار می‌رود مفهوم‌ها، مبناها و اصل‌های جامعه‌شناسی را همراه با مثال‌هایی از واقعیت‌ها و مسئله‌ها و مشکلات زندگی شرح و بسط دهد، تا باور و علاقه به این دانش را بین دانش‌آموزان تحکیم و تقویت کند. اما کتاب‌های موجود در جهت کاملاً مخالف به نقد و نفی رویکردهای متفاوت جامعه‌شناسی می‌پردازند که معمولاً در نظام دانشگاهی، چنین نقد و نظرهایی در دوره کارشناسی ارشد و دکترا مطرح می‌شوند، نه دوره آموزش عمومی و دوره دوم متوسطه.

روش تألیف و شیوه استدلال کتاب‌ها نیز یک‌طرفه، حکمی و مطلق است، به‌طوری که هیچ جایی برای پرسش، و نقد و نظر دیدگاه متفاوت و به‌طور کلی تفکر منطقی انتقادی قائل نیست و هر نوع تفکر دیگر را غرب‌زده، لیبرالی یا ناقص، و مغایر با ارزش‌های فرهنگی معرفی می‌کند. علاوه بر این‌ها، کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی با طرح مفهومی گنگ و تعریف نشده، با عنوان «علوم اجتماعی اسلامی»، سودای دانشی جایگزین جامعه‌شناسی و کل علوم اجتماعی را دارد؛ مفهومی که در محافل علمی و دانشگاهی و حتی بین محققان دینی و